

۲۲۱



حیات طیبه قرآنی و اصلاحات فرهنگی پیامبر

(صلی الله علیه و آله و سلم)

سید حسین خُر
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد
اسلامی خوراسگان

* مقاله در یک نگاه

رسول گرانقدر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آخرین پیامبر عظیم الشان الهی، دینی متین و استوار بنیان نهاد که اساس آن بر توحید و پرستش خدای یگانه و بی نیاز است.

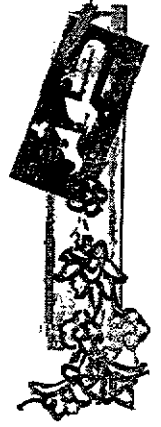
خدایی که بر عالمیان منت نهاد و پیامبرانی برای هدایت و ارشاد آنان فرستاد تا جایگاه خلیفه‌ی الهی خود را در روی زمین بشناسند.

پیامبر مقدس اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که خاتم پیامبران است، تلاش گسترده ای برای زدودن زنگارهای شرک و کفر و خرافه پرستی انجام دادند و کوشیدند آداب و رسوم دوران جاهلیت را تخریب و به جای آن احکام و آداب زندگی قرآنی و معارف اسلام را جایگزین کنند.

در حقیقت اصلاحات فرهنگی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) انقلاب عمیقی در شریان حیات فرهنگی مردمی که از مراتب اخلاق و تمدن محروم بودند، پدید آورد.

مرحله اول اصلاحات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه بود که پس از بعثت ایشان، تدریجاً آغاز شد و با تلاش هایی که از سوی آن حضرت به عمل آمد، انسان هایی مؤمن تربیت شدند و مقدمات براندازی

۴۱۸



شرک و بت پرستی تدریجاً فراهم شد.

ابزارهای موفقیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این اصلاحات فرهنگی در دوران بعثت و هجرت، مخصوصاً قرآن و خصوصیات پسندیده اخلاقی و صبر و استقامت در مقابل مشکلات بود.

مرحله دوم اصلاحات فرهنگی، با هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مکه به مدینه آغاز شد، که با ساختن مسجد تحقق یافت.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با ایجاد پیوند برادری از اختلافات داخلی جلوگیری، و آرامش را در مدینه برقرار کردند. که این مهم زمینه توجه بیشتر به علم و دانش و تعلیم و تربیت را فراهم کرد و به تدریج از اعراب که از تمدن و فرهنگ به دور بودند. انسان های مؤمن و با فرهنگ و عالمان دین پرورش یافتند که اینان به عنوان مبلغان اسلام به اطراف و اکناف جزیره العرب اعزام می شدند، که در پیشرفت اسلام بسیار مؤثر بود. از سوی دیگر مکاتبات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با سران کشورها، گذشته از تثبیت موقعیت مسلمانان، نشان از جهانی بودن رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در بر داشت.

رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) با قوانین مدنی و اخلاقی، نظم و تمدن و فرهنگ را بر محیط جزیره العرب حاکم ساختند.

در این مقاله، با اصلاحات فرهنگی بزرگ شخصیت عالم بشریت، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه و مدینه با الهام از آیات الهی، آشنا خواهیم شد. به امید آنکه از این اصلاحات به عنوان نکات اخلاقی و تربیتی در زندگی خود برای سعادت مند شدن بهره - مند گردیم و به دیگران نیز بهره برسانیم.

منتظرالقائم، تاریخ اسلام تا سال چهارم
هجری، ص ۱۰۲.
احزاب / ۲۱.
جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه،
۱۷، ص ۲۴۳.

✽ اصلاحات فرهنگی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) .
خوی خوش و مهربان و آراسته رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)
بر خلاف اخلاق تند و خشن اشراف، در روح و روان اعراب تشنه‌ی
محبت و اخلاق، تأثیر گذار بود و هدایت‌ها و جذبه های اخلاقی و معنوی
آن حضرت در برابر خشونت و شکنجه‌ها و ناسزاهای اشراف در جذب

مردم به اسلام، تأثیر بسزایی داشت.» (۱)

قرآن، شخصیت گرانقدر رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) را آسوه
قرار داده است:

«لقد كان لكم في رسول الله أسوهى حسنهى لمن كان يرجوا الله واليوم
الأخر و ذكر الله كثيراً.» (۲)

«برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود. برای آنها که
امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند، و خدا را بسیار یاد می کنند.»
بهترین الگو در تمام مراحل زندگی، شخص رسول الله (صلی الله علیه
وآله وسلم) است، روحیات عالی استقامت و شکیبایی او، هوشیاری و
درایت و اخلاص و توجه به خدا و تسلط بر حوادث، و زانو نزدن در برابر
سختی ها و مشکلات، هر کدام می تواند الگو و سرمشقی برای همه ی
مسلمین باشد.

«قرآن در آیه ی فوق این آسوهی حسنه را مخصوص کسانی می داند که
دارای سه ویژگی هستند: امید به الله و امید به روز قیامت دارند و خدا
را بسیار یاد می کنند.»

در حقیقت ایمان به مبدأ و معاد انگیزه ی این حرکت است، و ذکر
خداوند تداوم بخش آن، زیرا بدون شک، کسی که از چنین ایمانی قلبش
سرشار نباشد، قادر به قدم گذاشتن در جای قدم های پیامبر (صلی الله
علیه وآله وسلم) نیست و در ادامه ی این راه نیز اگر پیوسته ذکر خدا
نکند و شیاطین را از خود نراند، قادر به ادامه تأسی و اقتدا، نخواهد
بود.» (۳)

شایان ذکر است، بسیاری از معضلات و مشکلات در زمینه های مختلف
که امروزه گریبانگیر اجتماعات گوناگون بویژه جوامع مسلمین شده،
عدم انتخاب یک الگوی مناسب و شایسته است.

بدیهی است هنگامی که انسان ها بدون بینش و بصیرت بر اساس هوی
و هوس، اقدام به انتخاب الگو نمایند، کسانی را به عنوان اسوه برمی
گزینند که آنان نیز غرق در اشتباه هستند. از این رو پس از مدتی آن

الگوی نامناسب، نمی تواند آنان را اغناء کند؛ سرگشته به دنبال الگوی دیگری می گردند.

پس ضروری است انسان ها به ویژه مسلمانان، به مکتب اسلام رجوع کنند و شخصیت مقدس پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که تجلی رحمت الهی است را به عنوان اسوه برگزینند و به این ناخدای کشتی و چراغ هدایت که هم مایه ی آرامش، و راحت روح و جان سرنشینان است، اقتدا کنند.

✽ اقدامات فرهنگی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در دوران بعثت

تلاش های فرهنگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در دوران بعثت در مکه بدین ترتیب بوده است:

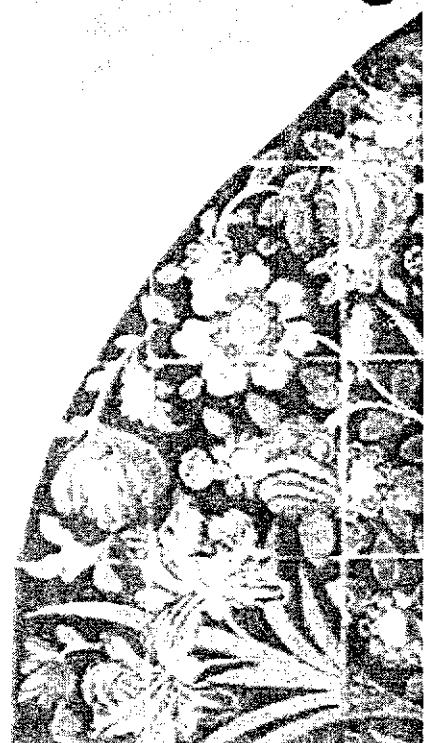
- ۱- عضو یابی انفرادی برای انسان سازی و تربیت اخلاقی که نتیجه آن استحکام بنیادهای نهضت اسلامی بود.
- ۲- تخریب فرهنگ بت پرستی و اخلاق جاهلی.
- ۳- تصحیح آداب و رسوم و سنن جاهلی.
- ۴- تهنیب جان ها و روان های مسلمانان با عبادت و تلاوت قرآن.
- ۵- کادر سازی و تکوین فکری مسلمانان نخستین.

علل موفقیت و پیروزی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در این مبارزه فرهنگی با دشمنان اسلام در دوران بعثت عبارت بود از:

الف - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچ گاه به تفرین و درخواست عذاب، برای مشرکان و زر و زور و تزویر متوسل نشد و همچون دیگر پیامبران پیش از رسیدن به قدرت سیاسی مبارزه او فرهنگی و سیاسی بود.

ب - اخلاق و شخصیت معنوی و ظاهری رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)

ج - صبر و استقامت در برابر مشکلاتی مانند: استهزاء، تطمیع، تهمت ساحری و نسبت شاعری و ... و طوفان مصائب و سختی های، شکنجه



ها، محاصره اقتصادی و زخم برداشتن در سفر طائف بود. (۴)

قرآن در این باره می فرماید:

« وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ لَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ. » (۵)

« صبر کن و صبر تو برای رضای خداست و اندوهگین مشو بر ایشان و از مکر و حيله آنان دلتنگ مباش »

ای محمد! صبر کن و آزار و اذیت ها را تحمل کن و مطمئن باش که خداوند تو را بر صبوری و بردباری توفیق می دهد و کارها را برای تو آسان می کند.

برخی گویند: یعنی چیزهایی که صبر لازم دارند، بر آنها صبر کن که خدا تو را توفیق می دهد. (و لا تحزن علیهم) و از اعراض مشرکین، غمگین مباش، زیرا سرانجام بر آنها پیروز می شوی و اگر آنها اعراض می کنند، بر تو ملامتی نیست. تو به وظیفه ی خود عمل کردی و امر خدا را به مردم رسانیدی.

« وَ لَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ »: از اینکه آنها با تو و یارانانت نیرنگ می کنند، دلتنگ نباش، زیرا خداوند نیرنگشان را به خودشان باز می گرداند و شما را از شر ایشان حفظ می کند. (۶) همچنین می فرماید:

« وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا. » (۷)

« شکیبا باش بر آنچه می گویند و از آنان به سختی دوری کن »

خدا را وکیل بگیر که لازمه ی وکیل گرفتن او این است که بر آنچه می گویند و با آن تو را اذیت و استهزاء می کنند، از قبیل: کفایت؛ و شاعری، جنون، متهمت می سازند و قرآنت را اساطیرالاولین می خوانند، صبر کنی. و نیز لازمه ی آن این است که با آنها به خوبی قهر کنی و مراد از «هجراً جمیلاً»، «قهر کردن به خوبی» است. به طوری که از سیاق بر می آید این است که با آنان به حسن خلق معامله نموده و به خیرخواهی به سوی حق دعوتشان کن و گفته های آنان را با گفته هایی که می توانی بگویی، مقابله به مثل ننمایی. (۸)

۴- منتظرالقائم، تاریخ اسلام تا سال چهارم

هجری، ص ۱۰۱، ۱۰۲

۵- نحل / ۱۲۷.

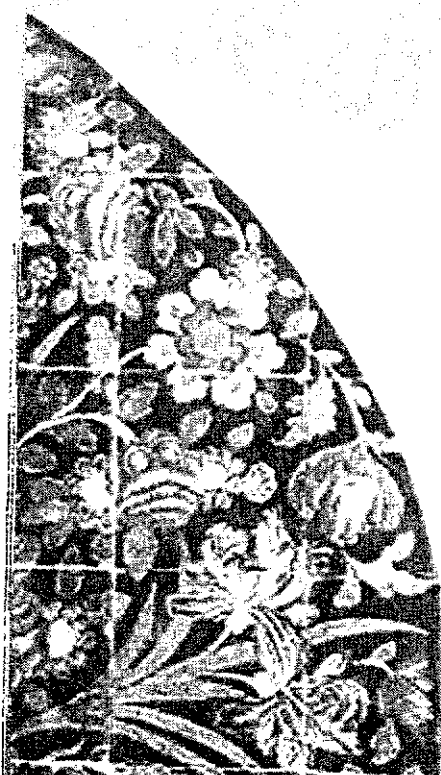
۶- طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان،

ج ۱۴، ص ۷۴

۷- مزمل / ۱۰.

۸- طباطبائی - ترجمه تفسیر المیزان، ج

۲۰ ص ۹۳



د: چهارمین عامل موفقیت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قرآن بود، دشمنان آن حضرت در برابر این سلاح برآن، دستور تحریم شنیدن قرآن را صادر کردند.

آن گونه که می فرماید:

« وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالنَّوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ. » (۹)

«آنان که کافر شدند، گفتند: گوش به قرآن فرا ندهید، آن را یاوه گویند، شاید برآن چیره شوید.»

چون کفار معارضه نمودن با آیات قرآنی را از عهده خود خارج دیدند و ترسیدند که اعراب از اطرف بیایند و ایمان بیاورند. پس از مشورت با هم، بنا را بر این گذاشتند که وقتی حضرت مشغول قرائت قرآن می شود، کاری کنند که به اشتباه بیفتد. این بود که هر وقت حضرت مشغول خواندن قرآن می شد، با هم گرد می آوردند و مشغول به غنا و آوازه خوانی می شدند و سخنان بیهوده می گفتند و دست بر دست می کوفتند که به این وسیله مردم آیات قرآن را نشنوند.

مشرکان تصور می کردند به این وسیله بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) غالب گردیده و اجازه نمی دهند کار خود را انجام دهد. (۱۰) آری، دشمنان دین گمان کردند که با این دسیسه ها می توانند نور خدا را خاموش گردانند اما چنین نشد و عظمت قرآن هر روز بیشتر و تعداد ایمان آورندگان به اسلام فزونی گرفت.

✽ اقدامات فرهنگی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه پس از ورود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان به مدینه و استقرار ایشان در این شهر، بنیان حاکمیت اسلامی تدریجاً بنا گزارد شد.

پر واضح است تلاش ها و اقدامات و اصلاحات فرهنگی حضرت در تحکیم پایه های نونهال حکومت اسلامی بسیار موثر بود که برخی از این اقدامات به شرح ذیل است:

۱- بنای مسجد:

هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به یثرب آمدند، به میمنت ورود ایشان آن شهر را مدینه النبی خواندند. ایشان درصدد برآمدند قبل از انجام هر کاری، یک مرکز عبادی تحت عنوان مسجد ایجاد نمایند تا گذشته از اینکه در خدمت عبودیت و بندگی خدا قرار می گیرد، به عنوان یک محل تعلیم و تربیت از یک سو و همچنین کانون سیاسی، نظامی و قضایی از دیگر سو درآید.

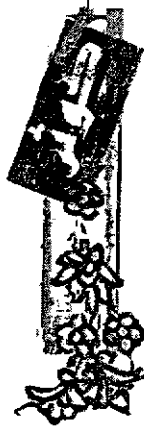
ساختن مسجد باعث ایجاد وحدت و یکپارچگی و انسجام بیشتر در میان جامعه اسلامی گردید، به طوری که مسلمین برای اقامه‌ی نمازهای پنج گانه در مسجد حضور پیدا می کردند و باعث اخوت و برادری و نزدیک شدن قلوب آنها به یکدیگر می شد و می توانستند ضمن به جا آوردن فریضه‌ی مقدس نماز، معارف و احکام اسلامی را از زبان پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بشنوند و عمل نمایند.

به طور کلی، مساجد تا آغاز قرن چهارم هجری، محافظی برای تعلیم و تربیت، خواندن و نوشتن بود و در غیر اوقات نماز، حکم یک مکان آموزشی و علمی را ایفا می نمود، به طوری که بسیاری از علما و دانشمندان، فارغ التحصیلان حلقه‌های تدریس مساجد بودند. (۱۱) شایان ذکر است که یکی از اهداف نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره مسجد این بود که به مردم تفهیم نمایند که علم و ایمان با یکدیگر توأم است؛ یعنی هر کجا مسجدی بنا شد، آنجا کانون تعلیم و تربیت و علم و دانش نیز می باشد.

فعالیت های آغازین مساجد:

- ۱- اقامه نماز ۲- استماع سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
- درباب آیاتی که وحی می شد ۳- تبلیغ دین و احکام شرع ۴- اعلان و اعلام جنگ و جهاد و عقد صلح ۵- تقسیم غنائم جنگی ۶- ارسال نامه ها ۷- قرائت قرآن (۱۲)

کهن ترین دانشگاه اسلامی، مسجد النبی بوده است، که با هجرت



۹- فصلت / ۲۶.

۱۰- بانو امین، مخزن العرفان در علوم

قرآن، ج ۷ ص ۳۲۵

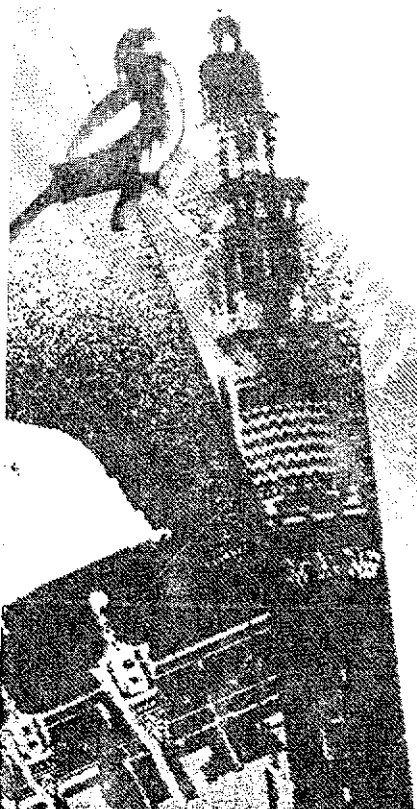
۱۱- مجله آینه پژوهش شماره ۸۷ برای

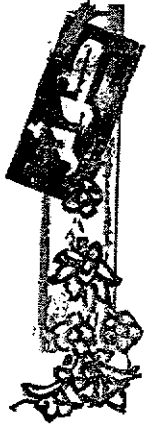
اطلاعات بیشتر

به مقاله نگارنده (سید حسین حر) در همین

زمینه ص ۹ مراجعه کنید.

۱۲- همان منبع، ص ۹.





پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مکه به مدینه تأسیس شد. بهترین شیوه های تبلیغ در امر سواد آموزی را پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در آغاز هجرت به مسلمانان، آموزش داد. آن حضرت فرمان داد که اسیران با سواد جنگ بدر، آنان که توانایی پرداخت حداقل سر بها را ندارند، به شرطی آزاد شوند که هر یک ده تن از پسران انصار را خواندن و نوشتن بیاموزند. (۱۳)

۲- عقد اخوت یا پیوند برادری:

یکی دیگر از اقدامات نخست رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه، برقرار ساختن پیمان برادری میان مسلمانان، به صورت دو به دو بود.

این عقد برادری را «مؤاخاه» نامیده اند و بیشتر سیره نویسان، پس از بنای مسجد از آن یاد کرده اند. درباره‌ی زمان دقیق آن، اختلاف نظر وجود دارد. برخی برآنند که پنج ماه پس از هجرت بوده؛ برخی دیگر نه ماه گفته اند؛ دیگران در زمان بنای مسجد و یا پیش از آن را معین کردند؛ برخی دیگر یک سال پس از هجرت را. (۱۴)

محمد بن اسحاق گوید: چون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مدینه آمد، خواص اصحاب خود را از مهاجر و انصار، پیوند برادری داد و به ایشان گفت: «برادری گیرید هر یکی با دیگری» پس دست خود را در دست علی (علیه السلام) نهاد و گفت: «این برادر من است». (۱۵)

❦ نتایج عقد اخوت

الف - ابتدا مهاجرینی که هر کدام از سویی به مدینه آمده و احساس غربت و تنهایی داشتند به سبب عقد اخوت می توانستند کسی را که از نظر روحی با او هماهنگی دارد، به عنوان هم صحبت و هم راز خود داشته باشند.

ب - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با این عمل سعی داشتند تا انگیزه های قبیله ای و عشیره ای را حذف کرده و بدانها بفهماند که رابطه

- ۲۳- غنیمه، تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ص ۴، ۵
 ۱۴- جعفریان، سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص ۴۳۲
 ۱۵- ابن هشام، سیرت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) ص ۲۴۲، ۲۴۳
 ۱۶- الماسی، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، ص ۲۲۱
 ۱۷- همان منبع، ص ۲۲۱



ایمان و اعتقاد به خدا می تواند دو نفر را همراه و هم راز کند، اضافه بر اینکه این رابطه می توانست بعضی از اختلافات قومی و قبیله گی را از بین ببرد. ج - ایجاد الفت همه گانی و وحدت در جامعه، یکی دیگر از اهداف این امر می توانست باشد. با این کار یک نظام برادری بر اساس اعتقاد و ایمان به الله تشکیل می یافت.

۳- توجه به علم و دانش و تعلیم و تربیت

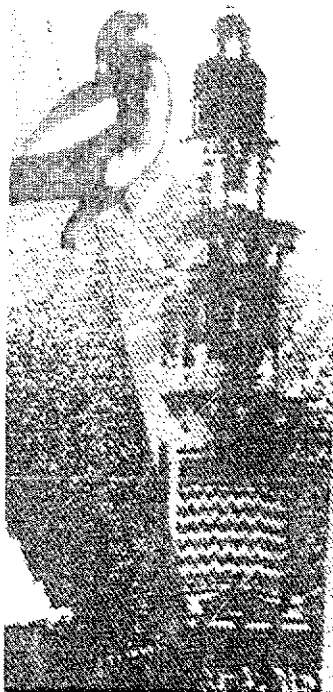
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تعلیمات خود را بر اساس اوضاع اجتماعی و با روش های خاصی انجام می داد.

نخستین جلسات تعلیمی آن حضرت، با تعلیم قرآن شروع شد. جلسات تعلیم قرآن شکل های مختلفی داشت گاهی جلسه دو نفره و زمانی جلسات گسترده تری تشکیل می یافت. محل تعلیم گاهی به صورت آشکار و گاهی بسیار مخفی بود. هدف و محتوای تربیتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این بود که برای پیروانش خوبی های آخرت و دنیا را باز گوید. بیشتر عمر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به امر پی ریزی و زمینه سازی گذشت و سبب شد که بعدها زمینه ی پیدایش یک فرهنگ با عظمت در جامعه ی بشری به وجود آید. (۱۶)

برای اولین بار مسجد مدینه تأسیس شد و مرکز آموزش قرار گرفت. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) معارفی ارائه کرد که در اندک زمانی توانست از ملتی عقب مانده جامعه ای زنده بسازد و دوم این که مسئولیت های انسان را در برابر خدا و خالق معین کند.

تعلیمات او گاهی به صورت احکام حقوقی و گاهی به صورت مباحث اخلاقی مطرح می شد. منبع محتوای تربیت او (قرآن) رفتار و عقل کامل وی نیز روش مناسبی برای اشاعه دین بود. (۱۷)

در احادیث از اقوال حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز موارد بسیاری در تجلیل از علم و فضیلت علما یافت می شود. این تأکید پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که دانش آموختن بر هر زن و مرد مسلمان واجب و فریضه است، یا ساعتی





اندیشیدن از عبادت یک ساله نیکوتر است، نمونه هایی از تأکید بر دانش اندوزی در اسلام است. (۱۸)

۴- اعزام معلمان و مبلغان قرآن به اطراف و اکناف جزیره العرب

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای تعلیم آیات و احکام دین مبین اسلام در مسجد النبی مسلمانان را آموزش می دادند، به گونه ای که کمتر از سه سال آن چنان قاریان قرآن و معلّم تربیت کرد که تنها در دو حادثه ی رجیع و بئر معونه چهل و چهار نفر از آنان به شهادت رسیدند. مبلغان ورزیده که حافظ قرآن و احکام و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند، حاضر بودند به قیمت جان خود، عقائد اسلامی را با روشن ترین بیان و واضح ترین اسلوب به گوش مردم دور دست برسانند. ولی برخی از قبایل وحشی و پست، با گروه تبلیغی که نیروهای معنوی اسلام بودند، و هدفی جز ترویج خداپرستی و ریشه کن ساختن کفر و بت پرستی نداشتند، از در حيله و تزویر وارد شده آنان را به وضع رقت باری به شهادت می رسانیدند (۱۹) به طوری که در منطقه ای به نام «رجیع» شش نفر از مبلغان اسلام را به شهادت رساندند. (۲۰) و در حادثه و فاجعه بئر معونه سی و هشت نفر از جمع چهل نفری مسلمانان را به شهادت رساندند. (۲۱)

۵- ارسال نامه ها و مکاتبه با سران کشورها و برخی حکام عرب:

پس از صلح حدیبیه، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرصتی پیدا کردند تا حکام عرب و پادشاهان کشورهای بزرگ را به سوی اسلام دعوت کنند. تعداد نامه های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را مورخین به اختلاف نوشته اند: یعقوبی چهارده نامه (۲۲)، مسعودی هفت نامه و طبری شش نامه ذکر کردند. (۲۳) چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچگاه کتابت نکردند نویسندگانی پیمان ها و نامه های آن حضرت را می نگاشتند، که از آن جمله: علی بن ابیطالب (علیه السلام) عثمان بن عفان، ابی بن کعب و ... بودند (۲۴) پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند تا انگشتی که نگین آن از نقره بود برای ایشان بسازند که روی

اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی،

ص ۲۵

۱۹- سبحانی، فرازهایی از تاریخ پیامبر

اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ۳۰۷،

۳۰۸

۲۰- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه

به تاریخ کامل نوشته ابن اثیر صفحه

۱۰۰۳، ج ۳ مراجعه کنید.

۲۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه

به تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۰۵۰ مراجعه

کنید.

۲۲- بنگرید به کتاب تاریخ یعقوبی ج ۱،

صفحه ۴۴۲ تا ۴۴۴

۴۲۷

آن نوشته شده بود محمدرسول الله و نامه های ارسالی را با آن مهر می کردند (۲۵).

پیمان ها و نامه های رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) حکایت از یک دیپلماسی دقیق و یک رسالت جهانی دارد و سخن برخی از نویسندگان که موضوع عمومیت رسالت را از ساخته های بعدی مسلمانان می دانند، به هیچ روی درست نمی باشد. زیرا قرآن در آیات بسیاری، جهانی بودن رسالت وی را تثبیت کرده است. (۲۶)

از جمله در سوره های اعراف به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دهد: « بگو ای مردم من فرستاده ی خدا به سوی همه شما هستم»

(قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا) (۲۷) در سوره ی سبأ نیز می خوانیم «تورا جز به سوی همه مردم نفرستادیم». (و ما ارسلناک الا

کافه للناس) (۲۸) و در سوره انعام می خوانیم: « این قرآن به من وحی شده تا شما و تمام کسانی را که قرآن به آنها می رسد انذار کنم» (و اوحی

الی هذا القرآن لاندکم به ومن بلغ) (۲۹) و در آغاز سوره ی فرقان می خوانیم: « پاینده و برقرار است خداوندی که قرآن را بر بنده اش فرستاد

که جهانیان را از مسئولیت هایشان بیم دهد» (۳۰) (تبارک الذی انزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیراً) (۳۱) و در سوره انبیاء می خوانیم.

« و ما تورا مگر رحمت برای اهل عالم نفرستادیم» (و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین) (۳۲) تمام این آیات که ذکر شد گواه جهانی بودن دعوت

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است. رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) خود نیز به خاتمیت رسالت و برانگیخته شدن بر همه

انسان ها تصریح دارد. هدایای حاکم مصر و نجاشی برای آن حضرت دلیل دیگری بر مکاتبه، بوده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

نیز از دوران جوانی با تجارت و به وسیله برخی یارانش همچون سلمان فارسی و صهیب رومی از جهان پیرامونش آگاهی کامل داشته است. (۳۳)

۶- تخریب بتکده های اطراف مکه

در اطراف مکه بتخانه های زیادی وجود داشت که مورد احترام قبایل



۱۷

- ۲۳- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۱۳۲
- ۲۴- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۴۶
- ۲۵- آیتی، تاریخ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص ۴۸۰
- ۲۶- منتظر القائم، تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، ص ۱۷۷
- ۲۷- اعراف / ۱۵۸.
- ۲۸- سبأ / ۲۸.
- ۲۹- انعام / ۱۹.
- ۳۰- تفسیر نمونه، ج ۶ ص ۴۰۶
- ۳۱- فرقان
- ۳۲- انبیاء / ۱۰۷.
- ۳۳- تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، ص ۱۷۸

اطراف بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای ریشه کن ساختن بت پرستی در این سرزمین پس از فتح مکه، افرادی را به اطراف اعزام نموده تا بتخانه ها را ویران کنند و در خود مکه نیز اعلام شد که هر کس بتی در خانه دارد، فوراً بشکند. (۳۴) در واقع پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای تخریب پایه های فکری جاهلیت عرب و تحکیم بیشتر موقعیت اسلام برخی از یاران خود را برای این امر مهم اعزام کردند از آن جمله:

۱- علی (علیه السلام) را برای تخریب بتکده مناه میان مکه و مدینه.
۲- عمرو بن عاص را برای تخریب بتخانه سواع بت قبیله هذیل. (۳۵)
۳- خالد بن ولید را به همراه سی سوار برای تخریب بتکده غزنی در نخله. (۳۶) اعزام این گروه ها برای تخریب بتکده ها از سوی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) به این سبب بود که:

۱- مظاهر شرک و فرهنگ بت پرستی از میان برود.
۲- این بتخانه ها مأمّن و پناهگاه مشرکان فراری نشود.
۳- سرمایه و ثروت این بتکده ها که از هدایای مشرکان جمع آوری شده بود در اختیار اشراف قبایل مشرک نباشد تا مبادا برای نبرد با اسلام به کار گرفته شود و این سرمایه در راه نیازهای دولت اسلامی استفاده شود.

۴- ویرانی بتخانه ها نشانه پایان بت پرستی و گسترش و تحکیم اسلام بود. (۳۷)

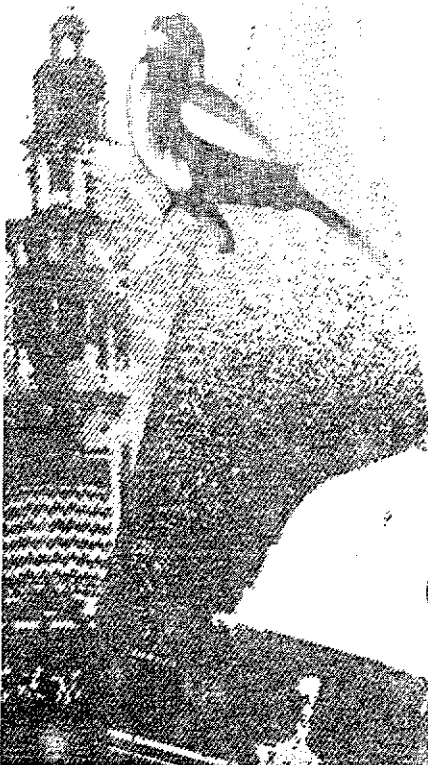
۷- بخشش های رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و نقش آن در پیشرفت و گسترش اسلام: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تجلی بخشندگی بود به گونه ای که شش هزار اسیر جنگ حنین را بخشید و یا در جریان فتح مکه، روزی در حال طواف خانه کعبه «فضاله بن عمیر» تصمیم به قتل آن حضرت گرفت. چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) او را مشاهده کرد فرمود: تو فضاله هستی؟ گفت: آری فرمود: «پیش خود چه فکری داشتی؟ پاسخ داد: «هیچ چیز» پیامبر (صلی الله



علیه و آله و سلم) تبسمی کرد و به او فرمود بگو «استغفرالله» و از خدا آمرزش بخواه. سپس دست مبارکش را روی قلبش گذاشت. آرام گرفت، هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دست خود را از روی سینه اش برداشتند، او مسلمان شد. (۳۸) بعدها فضاله می گفت: به خدا سوگند هنوز دست مبارکش را برنداشته بود که احساس کردم او محبوبترین خلق خدا در نزد من است. همچنین مالک بن عوف نصری، فرماندهی مشرکین در پیکار حنین، که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده بودند به او خبر دهید، اگر مسلمان شود و بیاید مال و اموالش را پس خواهیم داد و یک صد شتر هم به او خواهیم بخشید. وی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و مسلمان شد و در وصف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین سرود: «میان مردم مثل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ندیده و نشنیده ام. اگر از او عطا و بخشش بخواهند از همه بخشنده تر و وفادارتر است» (۳۹) و از آن حضرت روایت شده: «سخاوتمند نزدیک به خدا، نزدیک به مردم نزدیک به بهشت و دور از آتش است، و بخیل دور از خدا، دور از مردم، دور از بهشت و نزدیک به آتش است.» (۴۰) رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از ورود به مکه و فتح آن، برای آنکه خیال قریش را از هرگونه انتقامی که فکرش را می کردند، آزاد کند و گفت: «ماذا تقولون و ماذا تظنون؟» چه می گوئید و چه گمان می برید؟ قریشیان که سخت تحت تأثیر آن حضرت قرار داشتند با حالتی تضرع آمیز و پوزش طلبانه گفتن: «ما جز خیر و خوبی درباره تو نمی گوئیم و جز نیکی درباره تو گمانی نمی بریم. تو برادری مهربان و کریم و خویشاوند بزرگوار ما هستی که اکنون همه گونه قدرت نیز داری».

در اینجا بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمان عفو عمومی آنان را صادر کرد و فرمود: من همان سخنی را به شما می گویم که برادرم یوسف گفت: «امروز ملامتی بر شما نیست، خدایتان بیامرزد که او مهربان ترین مهربانان است...» سپس فرمود: «فازهبوا فانتم

- ۳۴- سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۷۲۹
- ۳۵- واقعی، مغازی، ج ۲، ص ۶۶۵
- ۳۶- همان منبع، ص ۶۶۵
- ۳۷- تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، ص ۱۸۳
- ۳۸- ابن هشام، سیرت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص ۴۵۲، ۴۵۳
- ۳۹- مغازی، ج ۳، ص ۷۲۶، ۷۲۷
- ۴۰- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۶۶

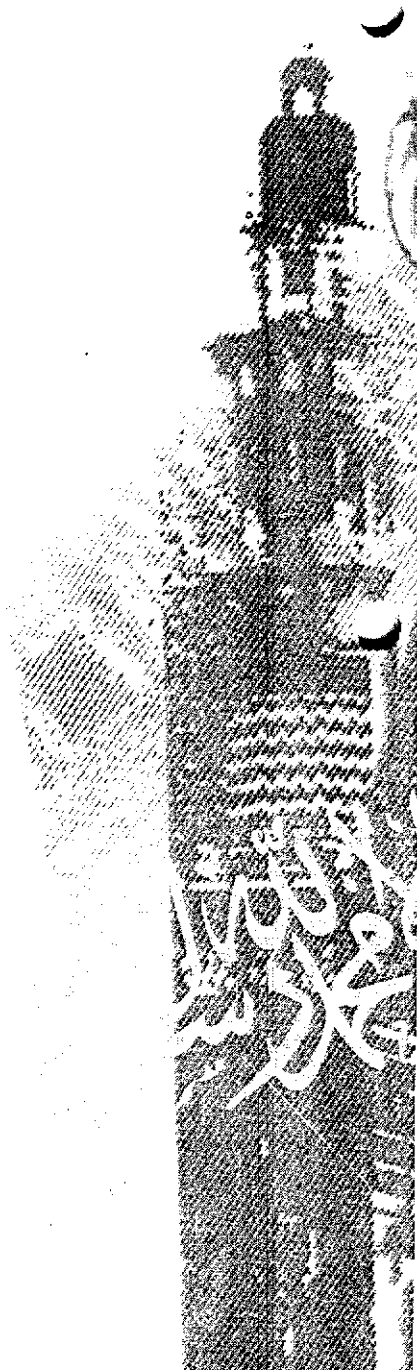
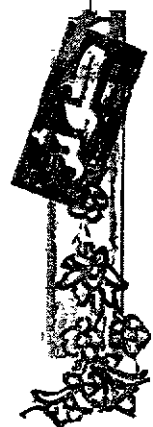


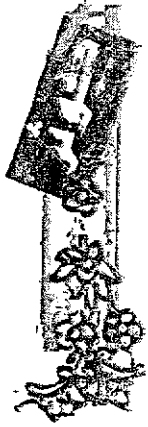
الطلاق» بروید که همگی آزاد هستید. (۴۱) این دستور عفو عمومی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) باعث شد، که مردم از مسجد الحرام بیرون دویدند و همین گذشت باعث شد که بیشتر آنان مسلمان شدند و آیین مقدس اسلام را پذیرفتند. برخلاف بخشندگی عظیم، وی در زندگی چنان بر خود سخت می گرفت که شب های پیاپی گرسنه می خوابید و خانواده اش هم غذایی نداشتند و عموماً نان آنها جوین بود. هیچ گونه تجملی در زندگی نداشت و بسیار کم خرج بود و متکای او از چرم بود که ازلیف خرما پر شده بود. (۴۲)

علی (علیه السلام) درباره سیره آن حضرت می فرماید: «او با شکمی گرسنه از دنیا رفت و با سلامت جسم و جان وارد آخرت شده و کاخ های مجلل نساخت (سنگی بر سنگی نگذاشت) تا جهان را ترک گفت». (۴۳) در هنگام بیماری و در آستانه ی رحلت چند مرتبه گفت: چند دینار (۸ دینار) مانده است آن را تقسیم کنید. سپس به علی (علیه السلام) دستور داد آن پول ها را که نزد یکی از زنان (عایشه) بود بگیرد و میان فقرا تقسیم کند (۴۴) و اگر از جنس بشر بود ولی از فرط محبت و نوع پروری سختی های مردم بر او گران می آمد و بر نجات آنان حریص و به مومنان رؤوف و مهربان است. قرآن در این باره چنین می فرماید:

«لقد جاءکم رسول من أنفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رؤوف رحیم.» (۴۵)

«رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است، و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مومنان رؤوف و مهربان است.» در نخستین آیه روی سخن را به مردم کرده، می گوید: «پیامبری از خودتان به سوی شما آمد» (لقد جائکم رسول من أنفسکم) مخصوصاً اینکه به جای «منکم» در این آیه «من أنفسکم» آمده است، اشاره به شدت ارتباط پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با مردم است گویی پاره ای از جان مردم و از روح جامعه در شکل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ظاهر شده است. پس از ذکر این صفت (من أنفسکم) به چهار قسمت



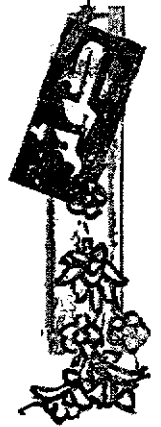


دیگر از صفات ممتاز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که در تحریک عواطف مردم و جلب احساساتشان اثر عمیق دارد اشاره می کند. نخست می گوید: هر گونه ناراحتی و زیان و ضرری به شما برسد برای او سخت ناراحت کننده است (عزیز علیه ما عنتّم) دیگر اینکه «او سخت به هدایت شما علاقه مند است» و به آن عشق می ورزد، (حریص علیکم) سپس به سومین و چهارمین صفت اشاره کرده، می گوید «او نسبت به مومنان رؤوف و رحیم است» (۴۶) (بالمومنین رؤوف رحیم)

❦ برخی از خصوصیات اخلاقی و فرهنگی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

- ۴۱ - رسولی محلاتی، تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۱۶۱، ۱۶۲
- ۴۲ - تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، ص ۲۳۹
- ۴۳ - علی (علیه السلام)، نهج البلاغه محمد دشتی، خطبه ۱۶۰، ص ۲۲۳
- ۴۴ - حسنی، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ص ۳۰۲
- ۴۵ - توبه / ۱۲۸.
- ۴۶ - تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۰۶، ۲۰۷
- ۴۷ - سوره آل عمران، آیه ۱۵۹
- ۴۸ - تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۶۲
- ۴۹ - همان منبع، ص ۴۶۵

قرآن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را تجلی رحمت الهی بر جهانیان دانسته و شفقت، مهربانی و خوی خوش او را از الطاف بی کران خدا دانسته است و خطاب به آن حضرت می گوید: «اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از اطراف تو پراکنده می شدند، پس از آنان درگذر و از خدا برای آنها طلب آمرزش کن و برای دلجویی آنان درکارها مشورت نما» (۴۷) آن حضرت به یاران خود سفارش می کرد: «محبوبترین شما نزد من در روز قیامت نیکوخلقترین شماست» (۴۸) و به فرزندان عبدالمطلب سفارش کرد: «سلام را آشکار سازید، و با خویشان نیکی کنید، و آنگاه که مردم خوابیده اند، شب زنده داری کنید، و خوراک بدهید و خوش سخن باشید، تا به سلامت داخل بهشت شوید» (۴۹) هنگامی که یکی از اصحاب و یارانش با او دیدار می کرد از او جدا نمی شد تا آن شخص جدا شده و خدا حافظی کند، و اگر به کسی دست می داد دستش را رها نمی کرد تا آن شخص رها کند، و چون کسی در محضر او می نشست بر نمی خاست تا او برخیزد. هرگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مردی از برادرانش را سه روز دیدار نمی کرد، سراغ او را می گرفت، و احوالش را می پرسید، اگر به سفر رفته و غایب بود برای او دعا می کرد و اگر در محل حضور داشت به دیدارش می رفت و اگر بیمار بود عیادتش می کرد. به کودکان سلام می کرد. در



خانه در خدمت اهل خانه بود. با فقیران مجالست داشت و با مسکینان غذا می خورد. (۵۰)

* نتایج و پیامدها و درس هایی که از اصلاحات فرهنگی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) می توان گرفت:

۱- اخلاق حسنه و خلق و خوی خوش آن حضرت در روح و روان اعراب تأثیر گذاشت و آنان را به سمت دین مبین اسلام سوق داد. ما نیز با برخورد محبت آمیز می توانیم دیگران را با حقایق و معارف دین اسلام آشنا کنیم.

۲- قرآن شخصیت مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را به عنوان اسوه معرفی می کند. پس برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی ایشان را الگوی خود قرار دهیم.

۳- اصلاحات فرهنگی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تدریجاً زمینه ی تخریب فرهنگ بت پرستی و اخلاق جاهلی را فراهم کرد.

۴- با اصلاحات فرهنگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آداب و رسوم و سنت های جاهلی اعراب، به نحو بسیار مطلوبی تصحیح شد.

۵- عامل موفقیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این کار خطیر فرهنگی، صبر و استقامت در برابر انواع مشکلات و سختی ها بود.

پس برای موفقیت و پیروزی و رسیدن به قرب الی الله باید مشکلات، سختی ها، کمبودها را تحمل کنیم و در مقابل توطئه های دشمنان ایستادگی و از خود ضعف نشان ندهیم. چرا که نهایتاً پیروزی از آن جبهه حق خواهد بود.

۶- اگر مسلمانان با انگیزه الهی قدم در راه خیر بگذارند، یقیناً خداوند متعال آنان را کمک و کفایت می کند.

۷- آیات نورانی الهی که معجزه جاوید پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است در موفقیت ایشان در برابر دشمنان اسلام بسیار موثر قرار گرفت. پس سعی کنیم به رمز موفقیت، یعنی قرآن، مراجعه کنیم و با آن مانوس شویم.

۸- مساجد علاوه بر یک مکان عبادی، یک مکان فرهنگی و تعلیم و



تربیت نیز می باشد. پس با مراجعه هر چه بیشتر به مساجد هم عبودیت و بندگی خدا را انجام دهیم و هم از نظر فرهنگی و تربیتی غنی شویم.

۹- عقد اخوت و پیوند برادری باعث از بین رفتن کینه های بین مهاجر و انصار شد. ما هم بکوشیم با یکدیگر برادر دینی باشیم و از اختلافات و کینه جویی ها و سایر رذایل اخلاقی دست برداریم.

۱۰- در اصلاحات فرهنگی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) توجه ویژه ای به علم و دانش شده است. ما هم از این مهم غافل نشویم و هر روز بر علم و معرفت ما افزوده شود.

۱۱- معلمان و مبلغان قرآن، نقش عمده ای در گسترش و پیشرفت اسلام و معرفی آن به مردم نواحی مختلف داشته اند، مسلمانان نیز باید تلاش کنند هر کدام با اخلاق پسندیده و راه و روش صحیح در زندگی مروج اسلام باشند.

۱۲- مکاتبات و نامه های ارسالی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به سران کشورها و برخی حکام عرب در توسعه و معرفی اسلام به عنوان یک آئین جهانی نقش بسیار موثری داشت.

۱۳- تخریب و ویرانی بتکده ها پس از فتح مکه، نشانه ی عظمت و گسترش اسلام از یک سو و پایان بت پرستی از دیگر سو بود.

۱۴- رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) تجلی بخشندگی بود و این روحیه حسنه باعث جلب قلوب مشرکان به سمت اسلام شد. ما نیز به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اقتدا کنیم و از ایشان درس گذشت و عفو و بخشش را بیاموزیم و با مردم مدارا کنیم.

۱۵- زندگی شخصی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همراه با ساده زیستی و به دور از تجمل گرایی بود. پس ما هم در زندگی خود از تجمل گرایی پرهیز کنیم و روحیه ی قناعت را از پیامبران درس بگیریم و به فکر ضعیفان و محرومان جامعه ی خود باشیم.

۱۶- برای رسیدن به سعادت بایستی خصوصیات اخلاقی، فرهنگی و به طور کلی سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در زندگی مورد مطالعه قرار دهیم و عمل نماییم.

۴۲۴

